

حوزه‌های علمیه و نشر ارزش‌های انقلابی

در بستر حقوق بین‌المللی ارتباطات^۱

کمال اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۲۶

انقلاب اسلامی ایران دارای جلوه‌های انسان‌ساز و بیدارگر در درون و بیرون مرزهای جغرافیایی کشور بوده است و برای اینکه اصول و ارزش‌های انسانی آن بتواند در دل‌ها قرار گیرد، نیازمند تبیین و نظریه‌پردازی در حوزه‌های ارسال پیام، اقناع و مخاطب‌شناسی و فهم موارد قطع ارتباط و پارازیت است. ظهور عصر تکنولوژی ارتباطات که سرعت انتقال پیام را به همراه داشته و ارتباطات بین‌الملل را هم که ارتباطات میان ملل و فرهنگ‌ها را آسان‌سازی کرده است، می‌تواند بستری مناسب برای نشر اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد. این پژوهش به دنبال این است که با استفاده از نظریات «ارتباطات بین‌الملل» و «حقوق بین‌المللی ارتباطات» امکانات لازم را جهت صدور قانونی و مسالمت‌آمیز پیام انقلاب اسلامی بررسی و نقش حوزه‌های علمیه در استفاده از این ابزارها و راهکارها را مطالعه کنیم. در این راستا، استفاده از نظریات و حقوق بین‌المللی ارتباطات مانند اصل آزادی بیان و مذهب، جریان آزاد اطلاعات، آزادی تولید و نشر اطلاعات بسیار راهگشا است. در مدل مورد نظر، تلاش می‌شود نشان داده شود که چگونه حوزه‌های علمیه از طریق استفاده از رسانه‌های نو، ایجاد مراکز علمی و فرهنگی و اعزام استاد و مبلغ در بستر حقوق و ارتباطات بین‌المللی می‌توانند به تبلیغ و نشر اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی در حوزه‌های فرامرزی بپردازند.

کلیدواژگان: انقلاب اسلامی، حوزه علمیه، حقوق بین‌المللی ارتباطات، رسانه‌های جدید.

۱. این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفند ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

۲. استادیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه صدا و سیما

مقدمه

مهم‌ترین خاستگاه انقلاب اسلامی ایران اندیشه‌های دینی، فقه سیاسی و ارزش‌های اسلامی بوده است که از سوی رهبران دینی و حوزه‌های علمیه بازتولید، تبیین و منتشر شده است. رهبری انقلاب به دست مجتهدی توانمند و روزآمد بود که با تکیه بر توان علمی، فقاقت و شناخت دقیق تحولات اجتماعی و با آگاهی از تاریخ گذشته کشور و تسلط بر مبانی و منابع دینی توانست انقلاب شکوهمندی را مدیریت و با نفی دخالت شرق و غرب، نظام مبتنی بر فقه سیاسی شیعه را پایه‌گذاری کند.

حوزه‌های علمیه و علمای دینی شبکه اصلی ایجاد ارتباط مردم با رهبری نهضت در دوره سخت مبارزه، بویژه در دوره تبعید ایشان بودند که از جهات مختلف مدیریت مبارزه، تبیین نظام جایگزین و راهنمایی و تشویق مردم به استمرار مبارزه را عهده‌دار شدند و پس از پیروزی نیز در کنار رهبری نهضت قرار گرفتند و در مهم‌ترین تحولات انقلاب اسلامی مثل تعیین نوع ^{یاست‌پژوهی} نظام سیاسی، تدوین قانون اساسی کشور و حفظ نظام در تحولات مهم چندساله از جمله جنگ تحمیلی نقش‌آفرینی کردند. در این دوره حوزه‌های علمیه مهم‌ترین مرکز تولید دانش اداره کشور بر اساس فقه شیعه شناخته می‌شدند؛ لذا سؤالات اساسی حکومتی از طریق علمای حوزه پاسخ داده می‌شد و حتی بهترین استادان حوزه با اشاره رهبری انقلاب وظایف اساسی را در عرصه قانونگذاری، قضایی و اجرایی کشور بر عهده گرفتند.

امروزه یکی از ضرورت‌های انقلاب اسلامی بیان اهداف، شعارهای بنیادی و ارزش‌های خود، که برگرفته از فقه اسلامی است، برای جهانیان است. بهره‌گیری از نظام ارتباطی و رسانه‌ای برای تبیین نگاه الهی، انسانی و مبتنی بر فطرت انقلاب اسلامی در جهان امری ضروری است تا در دوره انفجار اطلاعات و هجوم رسانه‌ای دشمنان، به نحو مطلوبی اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی برای مردم جهان بیان گردد. از جمله زمینه‌های مهم برای بیان



اندیشه‌ها و اهداف، استفاده از عرصه عمومی رسانه‌ها یا ایجاد رسانه‌های مرتبط و منطبق بر اهداف و نیز استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی جهان جدید است.

حقوق بین‌المللی ارتباطات مجموعه امکانات و ظرفیت‌هایی را برای تسهیل ارتباط و اطلاع‌رسانی ایجاد کرده است که می‌تواند در راستای اهداف عالی انقلاب اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. ارتباطات بین‌المللی که به مرزهای سیاسی، جغرافیایی و نژادی خاصی محدود نیست و فرایند ارتباط را در سطح جهان بر اساس قراردادهای، قوانین و حقوق بین‌الملل ممکن می‌سازد، دارای کارکردهایی چون اقناع افکار عمومی و جهانی‌سازی عقاید و افکار است که باید در مسیر تبلیغ بین‌المللی دین مورد استفاده قرار گیرد. توسعه تکنولوژی و به تبع آن گسترش وسایل ارتباط جمعی می‌تواند به ترویج اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی و جهانی کمک شایانی نماید.

مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های حقوقی و نظری درباره رسانه‌ها و ارتباطات در عرصه جهانی استفاده کرد. این نوشتار بر آن است بسترها و ظرفیت‌های لازم در حقوق بین‌الملل ارتباطات و نظریه‌های این حوزه برای نشر ارزش‌های انقلابی توسط حوزه‌های علمیه را توضیح دهد.

۱. تعریف مفاهیم

به‌طور اجمال برخی اصطلاحات مطرح شده در مقاله را تعریف می‌کنیم:

رسانه‌های نو: رسانه‌های نو رسانه‌هایی هستند که سرعت انتقال اطلاعات، ارتباط آنالین، نحوه عرضه متفاوت، امکان ارائه مطلوب به شکل مورد درخواست و علایق کاربر، امکان دسترسی سریع به آرشیوها، امکان انتخاب نوع دسترسی و نوع مطالب، استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای، تیراژ نامحدود، امکان جستجوی گسترده در محتوا و مهم‌ترین نکته، امکان ارتباط دوسویه بین فرستنده پیام و گیرنده خصوصیات اصلی این رسانه‌ها می‌باشند. مک‌کوایل رسانه‌های نو را مجموعه متمایزی از فناوری ارتباطی می‌داند که خصایص معینی را در کنار نوشتن، امکانات دیجیتال و در دسترس بودن وسیع برای استفاده شخصی به عنوان ابزارهای ارتباطی دارا هستند (بابایی و فهیمی فر، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

حوزه علمیه: حوزه علمیه به مراکز آموزشی دینی در جهان اسلام، به‌ویژه در میان شیعیان اطلاق می‌شود که دارای کارکردهای آموزشی، پژوهشی، تربیتی و تبلیغ دینی است که در گستره ملی و فراملی فعالیت دارد و از حیث عملکرد دارای سطوح سیاستگذاری، قانونگذاری و اجرایی در حیطه کارکرد خویش است. بر اساس این تعریف مراکز وابسته و غیروابسته با پسوند حوزه علمیه نیز جزو این مجموعه محسوب می‌شود (اباذری، ۱۳۸۹: ۲۵).

حقوق بین‌الملل ارتباطات: به مجموعه مقررات حقوقی و قانونی که در عرصه ارتباطات و رسانه‌ها در سازمان‌های بین‌المللی به تصویب رسیده است، گفته می‌شود. در سطح جهانی مقررات مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه مجمع عمومی ملل متحد، یونسکو، اتحادیه بین‌المللی راه دور، سازمان جهانی مالکیت معنوی و نیز برخی سازمان‌های منطقه‌ای، مانند شورای اروپا، اتحادیه اروپایی، پیمان همکاری و امنیت اروپا، سازمان کشورهای آمریکایی و سازمان وحدت آفریقا (اتحادیه کنونی آفریقا)، در زمینه‌های گوناگون مربوط به ارتباطات، از جمله آزادی اطلاعات، تصحیح بین‌المللی اخبار نادرست، حمایت بین‌المللی روزنامه‌نگاران، لزوم تأمین تعادل اطلاعات، سیاست‌های ملی ارتباطی و نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات، توزیع جهانی مدارهای ماهواره‌های ارتباطی و اصول حقوقی کاربرد ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی به تصویب رسیده‌اند (معمدنژاد، ۱۳۸۸: ۴۵). هدف از این مقررات سیاست‌پژوهی بین‌المللی و منطقه‌ای که در قالب قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها، عهدنامه‌ها و رهنمودهای حقوقی پدید آمده‌اند، توسعه و تحکیم حقوق بین‌الملل ارتباطات در جهان بوده است. حقوق بین‌الملل ارتباطات به عنوان یک شاخه حقوقی در کنار شاخه‌های دیگر حقوقی مطرح می‌باشد و از سوی نظریه‌های ارتباطات بین‌المللی پشتیبانی می‌شود.

نظریه‌های ارتباطات: اصطلاح نظریه ارتباطات را می‌توان برای اشاره به یک نظریه مجرد به کار برد و نیز می‌توان از آن برای دلالت بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های حاکم بر نظریه‌های فرایند ارتباطات استفاده کرد (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۲۸).

ارتباطات بین‌الملل: عبارت از جریان‌های ارتباطی است که به مرزهای سیاسی، جغرافیایی و نژادی خاصی محدود نمی‌شود و فرایند ارتباط را در سطح جهان براساس قراردادهای، قوانین و حقوق بین‌الملل ممکن می‌سازند (زورق، ۱۳۸۶: ۱۴۴).



انقلاب اسلامی: از دو واژه انقلاب و اسلام ترکیب شده است. در اینجا اسلام «هدف» و انقلاب «وسیله» است. در واقع مردم و رهبری انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) به وسیله انقلاب تلاش کردند اسلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی مجدداً احیا نمایند. از سوی دیگر انقلاب یک دوره و حرکت مستمر است؛ انقلاب یک چیز دفعی و آنی نیست (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)؛ صدها شرط و موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب رخ دهد؛ البته این شرایط، آسان به دست نمی‌آید؛ از این رو انقلاب پدیده بسیار مغتنم و دیرپاب است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) و باید برای تحقق آن تلاش و مجاهدت دائمی انجام گیرد؛ مشروط بر اینکه روح، خواست و ضرورت انقلاب در مردم وجود داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۱)؛ از این رو انقلاب امری تصادفی و اتفاقی نخواهد بود و با خیال‌بافی و ذهنیت‌گرایی تحقق نخواهد یافت؛ بلکه امری واقعیت‌دار است. از نگاه مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی، یعنی طغیان بر ارزش‌های جاهلی و نظام‌های طاغوتی و فرهنگ به‌زنجیرکشیدن بشر (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۴) با هدف احیا و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه به صورت سریع در زمینه بروز و ظهور و نمود و غالباً توأم با خشونت و خونریزی به دلیل مقاومت نظام حاکم، در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی (حیات طیبه) که تکوین و ریشه‌گیری آن امری طولانی و مرحله‌ای است.

۲. اهداف انقلاب اسلامی

هر نظامی بر حسب محتوا و نظام شکل‌دهنده آن دارای اهدافی است که به دنبال تحقق آن است. در حکومت‌های استبدادی هدف حکومت، تأمین تمایلات شخصی فرد یا هیئت حاکمه است و در حکومت‌های دموکراسی به شیوه غربی، بر پایه رأی اکثریت بنا گذاشته شده است و در حکومت اسلامی اهداف یاد شده بر اساس اراده خالق هستی و مالک و رب همه جهانیان انجام می‌گیرد و بر اساس اراده او نیازهای واقعی انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱۰۷ اصل دوم و سوم قانون اساسی به بیان اهداف نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد که طبق آن، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه

امکانات خود را به کار برد. اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در راستای نگاه بنیادین به دین شکل گرفت و رهبران انقلاب، بویژه رهبری نهضت بر اساس بنیادهای نظری بود که اقدام به مبارزه با دولت پهلوی و مظاهر دخالت خارجی و قدرت‌های استعماری نمود. ایشان بر اساس نگاه عمیق فقهی و دینی اهدافی برای انقلاب در نظر گرفت که ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی را در دو عرصه داخلی و خارجی شامل می‌شد. برخی پژوهشگران با همین نگاه و تحلیل جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی، اهداف این انقلاب را در شش مقوله کلی امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و نظامی، اتحاد و تشکل، مسائل و انحرافات مربوط به ارزش‌ها (پناهی، ۱۳۸۲: ۳۵۴) بررسی کرده‌اند.

در نظر اکثر محققان مهمترین شعارهای مردم که بیانگر اهداف اصلی انقلاب اسلامی می‌باشد، عبارت‌اند از: «استقلال»، «آزادی»، «جمهوری اسلامی». در کنار این شعارهای اساسی، عدالت اجتماعی و اقتصادی از دیگر خواسته‌های مهم انقلابیون بوده است که در دیدگاه شهید مطهری با عنوان «اسلامی‌بودن» و «اتکا به پشتوانه‌های مردمی» بیان شده است (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۷۳). به لحاظ این دو ویژگی عظیم است که نظام مورد نظر پس از انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی بوده است که بیانگر محتوای دینی، اسلامی و شکل و قالب مردمی است. اهداف مهمی در ابعاد مختلف در انقلاب اسلامی وجود داشته است که در چهار دسته بزرگ

یاست پژوهی قابل بررسی است:

اهداف فرهنگی: یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی، اهداف فرهنگی است؛ زیرا بنیاد انقلاب اسلامی بر انقلاب فرهنگی بنا شده است؛ چنان‌که اسم این انقلاب با پسوند «اسلامی» بیانگر محتوای دینی و فرهنگی آن است و این رویکرد قابل تبلیغ و بهره‌برداری در سطح جهانی بر اساس تکیه بر فطرت خداجویی و معنویت‌گرایی است. اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: احیای اسلام و اجرای قوانین اسلامی، خدامحوری و تقرب به خدا، توجه به همه انسان‌ها، بویژه مستضعفان، رشد فضایل اخلاقی و پیوند دین و سیاست.

اهداف سیاسی: از دیگر اهداف انقلاب اسلامی و مهم‌ترین خواسته‌های نهضت اسلامی رویکرد سیاسی است که مهم‌ترین شاخصه آن، تغییر نظام سیاسی بود. می‌توان مهم‌ترین اهداف



سیاسی انقلاب اسلامی را به شرح ذیل برشمرد:

۱. استقلال: نمود آن در شعار نه شرقی و نه غربی نهفته است که به یک استراتژی اساسی کشور پس از انقلاب اسلامی تبدیل گردید.

۲. آزادی: آزادی بر اساس نفی هرگونه استبداد و خودکامگی معنی می شد و از مهم ترین دغدغه های مردم و رهبران انقلاب به شمار می رفت.

۳. دفاع از مستضعفان و مقابله با ستمگری و بهره کشی (اکبری، ۱۳۹۲، ص ۹۲).

اهداف اجتماعی: در بعد اجتماعی، اهداف انقلاب، حوزه های چون گسترش قسط و عدل اسلامی، اجرای احکام و موازین اسلامی در جامعه، مبارزه با فساد اخلاقی و منکرات عمومی و گسترش تعاون اسلامی را شامل می شد.

اهداف اقتصادی: در این رابطه مفاهیمی چون استقلال و خودکفایی، اقتصاد اسلامی، تأمین نیازهای اساسی مردم، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و رسیدگی به مناطق محروم، کاهش فاصله طبقاتی و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان در زمره اهداف اقتصادی انقلاب قرار داشتند.

۳. حقوق بین الملل ارتباطات و تبلیغ بین المللی ارزش های انقلاب اسلامی

أ. اصل آزادی جریان اطلاعات

حق دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد اخبار به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی از اصول پذیرفته شده جهان امروز است. دیگر کسی تردید ندارد که به دلایل مختلف دسترسی به اطلاعات و آگاه بودن آنان از اخبار پیرامونی خود، از جمله حقوقی است که تأمین آن وظیفه و نیز به سود دولت ها است. اسناد معتبر بین المللی نیز به هرگونه بحثی در این زمینه پایان داده و از نظر حقوقی آن را مستند ساخته اند؛ برای مثال ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸) به صراحت چنین بیان کرده است:

سیاست پژوهی

حوزه های علمیه و نشر ارزش های انقلابی در بستر حقوق بین المللی ارتباطات



داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

قطعه‌نامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۴ تصریح کرده است که «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشر و... سنگ بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است». البته باید توجه داشت که:

اولاً مقصود از «حق دسترسی به اطلاعات»، دسترسی به اطلاعات «عمومی» است و شامل اخبار مربوط به حریم خصوصی دیگران نمی‌شود. قداست و حرمت حریم خصوصی نکته‌ای نیست که نیاز به تأکید و توضیح داشته باشد. با این حال ماده ۱۲ همان اعلامیه مقرر کرده است که «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد». ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز بسیاری دیگر از متون و اسناد معتبر جهانی همین ممنوعیت را تکرار و تأکید کرده‌اند؛ بنابراین آزادی گردش اطلاعات مربوط به اخباری غیر از حریم خصوصی شهروندان است. درباره تعریف، مبانی و استثنای ممنوعیت تجاوز به **یاست ژوبی حریم خصوصی، گفتگوهای فراوانی وجود دارد که اکنون مورد بحث نیست.**

ثانیاً معلوم است که «اصل» آزادی اطلاعات همانند هر «اصل» دیگری بدون حد و استثنا نیست. عقل و تجربه بشر او را به این واقعیت انکارناپذیر رهنمون شده است که غیر از اخبار و اطلاعات خصوصی دیگران، برخی اخبار و اطلاعات عمومی و دولتی نیز وجود دارد که برای حفظ مصالح اجتماع قابل دسترسی و انتشار نیست. اعلامیه جهانی حقوق بشر، پس از تبیین حقوق بنیادین، در ماده ۲۹ خود همه آنها را چنین محدود ساخته است:

«... هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک



وضع شده است».

بنابراین محدود بودن تمام حقوق بشری و شهروندی- و از جمله حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار دولتی و عمومی- تردیدپذیر نیست؛ البته این محدودیت‌ها باید حتماً در قانون و برای تأمین یکی از اهداف یاد شده باشد؛ اهدافی که در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین خلاصه شده‌اند:

«الف. احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی».

ثالثاً، به دلیل وضوح مبانی حقوقی این بحث و مهم‌تر از آن برای تضمین اجرا و تحقق اهداف و فواید آن، سال‌هاست که کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند این حق را علاوه بر ذکر در قانون اساسی خود، به صورت قانونی مستقل و شفاف تدوین کنند. بنابر برخی گزارش‌ها، هم‌اکنون بیش از پنجاه کشور چنین قانونی را به تصویب رسانده و بیش از سی کشور نیز در حال طی مراحل قانونی برای تصویب آن هستند.

آزادی اطلاع‌رسانی که گردانندگان و سایل ارتباط جمعی از آن برای اطلاع‌رساندن به خوانندگان، شنوندگان، بینندگان و کاربران بهره‌بردار می‌کنند، یکی از شکل‌های جدید مفهوم وسیع و قدیمی «آزادی بیان» است. آزادی اطلاع‌رسانی یا همان آزادی انتشار فرآورده‌های فکری در میان مخاطبان وسیع ارتباط جمعی، از اصول سه‌گانه‌ای که در واقع عناصر متشکله این آزادی هستند، حمایت می‌کند:

۱. اصل آزادی فعالیت مؤسسات ارتباطی: مؤسسات ارتباطی از کسب هرگونه اجازه قبلی و از سپردن هر نوع تضمین مالی معاف بوده و از اجرای نظام احتیاطی و پیشگیری که برای تأسیس و فعالیت آنها شرایط خاصی قایل می‌شود، خودداری می‌نمایند، اما، نظام تعقیبی و تنبیهی بعد از تأسیس آنها در مورد فعالیت‌های غیرقانونی آنها اعمال می‌شود.

۲. محدودیت‌های مبتنی بر قانون: محدودیت‌های اعمال این آزادی تنها به موجب قانون مشخص می‌شوند.



۳. لزوم کمک دولت: دولت‌ها باید بدون آنکه اصل آزادی فعالیت مؤسسات ارتباطی را نفی کنند، به حمایت از این مؤسسات بپردازند. این حمایت از طرف دولت‌ها در قالب کمک

مستقیم اقتصادی، معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی و گمرکی دنبال می‌شود. شایان ذکر است جستجو و جمع‌آوری، انتقال، انتشار و دریافت آزادانه اخبار و عقاید از شرایط اساسی «آزادی اطلاعات» به شمار می‌رود؛ زیرا با اعمال محدودیت بر سر فعالیت مؤسسات اداره‌کننده این وسایل، برای تهیه و تأمین مواد اولیه فعالیت‌های خود، آزادی اطلاع‌رسانی معنی خود را از دست می‌دهد.

آزادی اطلاعات بر سه اصل اساسی استوار است:

الف) جریان آزاد اطلاعات؛ یعنی خبرنگاران بتوانند گزارش‌های خبری خود را از طریق وسایل مخابراتی، آزادانه به مؤسسات ارتباطی برسانند؛ ب) انتشار آزادانه اطلاعات؛ بدین معنا که روزنامه‌ها و مؤسسات ارتباطی بتوانند رویدادها و عقاید و اندیشه‌ها را انتقال دهند. این اصل پایه و اساس آزادی اطلاع‌رسانی به شمار می‌رود؛ ج) دسترسی آزادانه به اطلاعات؛ بدین معنا که مخاطبان وسایل ارتباط جمعی از آزادی انتخاب محروم نبوده، بتوانند به اطلاعات ارائه‌شده توسط وسایل ارتباط جمعی دسترسی داشته باشند (معمدنژاد، ۱۳۸: ۱۶۷). این اصول با ایجاد مؤسسات و دسترسی به اخبار و اطلاع‌رسانی، در آشنایی مردم آن کشورها با انقلاب اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند کمک‌کننده باشد.

ب. اصل آزادی بیان

یاست‌پژوبی آزادی اظهار اندیشه، اعم از نظریه‌ها، شناخت‌ها، ارزش‌ها و عقاید از راه‌های گوناگون، مانند گفتار، نوشتار، تصویر و مطبوعات را آزادی بیان تلقی می‌کنند (پولن، ۱۳۸۰: ۹). فوستل هوکولانژ نویسنده کتاب مدینه باستانی درباره خاستگاه آزادی بیان در قدیم می‌نویسد: در تمدن‌های قدیم، بویژه در دولت شهرهای یونان باستان، انسان‌ها فکر کردند که غیر از حقوقی که آزادی به معنای مشارکت در امور عمومی، برای آنها تأمین نموده است، نسبت به دولت شهرها نیز ممکن است حقوقی داشته باشند. مفهوم آزادی به معنای خودمختاری که اساس آزادی بیان به‌شمار می‌رود، مدت‌ها قبل از استقرار نظام حقوقی فردگرا و آزادی‌گرا در عصر جدید، به دنبال رواج مسیحیت که قبل از گرفتارشدن در نظام پیچیده سلسله‌مراتبی مذهبی و روابط فئودالی، از اندیشه حقوق



ذاتی انسان در برابر قدرت حاکمه طرفداری می کرد، در کشورهای غربی پدید آمد؛ اما هیچ نظام حقوقی خاصی در این مراحل اولیه آزادی جویی، انتشارات را مورد حمایت قرار نداد و تمام شبکه‌های بزرگ و کوچک ارتباطی و خبری منحصرأ در اختیار قدرت‌های حاکم بودند (معمدثزاد، ۱۳۸۶: ۶۵).

از اواسط قرن پانزدهم میلادی، با پیدایش و پیشرفت صنعت چاپ به تدریج نشریه‌ها و کتاب‌های چاپی گوناگونی به طور نامنظم در کشورهای اروپایی انتشار یافت و در اوایل قرن هفدهم با بهبود و توسعه حمل و نقل، مطبوعات دوره‌ای نیز در بسیاری از ممالک اروپا، به ویژه هلند، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا پا به عرصه وجود گذاشتند. به این ترتیب مطبوعات دوره‌ای در محیطی که آزادی بیان در آن جایی نداشت و نظریه سلطنت استبدادی حاکم بود، ظاهر شدند. سرانجام اصل آزادی مطبوعات به عنوان یکی از پایه‌های اساسی آزادی بیان بیش از دو قرن بعد از اختراع چاپ و حدود یک قرن بعد از انتشار نخستین روزنامه‌های چاپی جهان در غرب، به دنبال مبارزات طولانی مدت بورژوازی آزادی جوی اروپا و آمریکا، با لغو قانون مربوط به اجازه چاپ و سانسور مطبوعات، در ۱۶۹۵ در انگلستان به رسمیت شناخته شد. در فرانسه نیز از اواسط قرن هجدهم بر اثر تضعیف قدرت سلطنت استبدادی و پیشرفت اندیشه‌های روشنگرانه فیلسوفان سیاسی و گسترش فعالیت علیه نظام حاکم، عملاً نوعی چشم‌پوشی در مورد مطبوعات پدید آمد و آزادی مطبوعات به طور وسیع تر و کامل تری بروز یافت.

مجمع عمومی سازمان ملل در اولین نشست خود در دسامبر ۱۹۴۶ در قطعنامه ۵۹ بر اهمیت آزادی اطلاعات تأکید کرد و در سال ۱۹۴۸ آزادی اطلاعات در اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور تفصیلی بیان شد. در همین سال کنفرانس سازمان ملل درباره آزادی اطلاعات برپا شد و ۴۳ قطعنامه درباره مسائل گوناگون مربوط به جمع‌آوری و پخش اطلاعات صادر و اخذ تصمیم لازم برای اقدام مؤثر در این مورد به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل ارجاع گردید. مجمع عمومی سازمان ملل از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۴ تعدادی قطعنامه در زمینه ابعاد گوناگون آزادی اطلاعات صادر کرد. در این میان از سه پیش‌نویس کنوانسیون‌های پیشنهادی



در کنفرانس ۱۹۴۸، تنها کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح و توسط مجمع عمومی سازمان ملل در مارس ۱۹۵۳ تصویب و به اجرا درآمد.

مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۶ دسامبر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به تصویب رساند که ماده ۱۹ آن به رسمیت شناختن آزادی بیان را مطرح و آزادی برای جستجو، دریافت، انتشار اطلاعات و عقاید را زیرمجموعه آزادی بیان معرفی کرده است (رهبر، ۱۳۸۱: ۴).

قوانین اساسی کشورها نیز به تبع قوانین بین‌المللی به تدریج این اصل را به رسمیت شناختند که اولین آنها قانون اساسی دولت فدرال سوئیس ۱۸۷۴ بود که آزادی مطبوعات را به عنوان شاخص آزادی بیان تضمین کرده بود. در ایران بعد از انقلاب اسلامی این اصل مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفت. البته این اصل انسانی مهم، قرن‌ها پیش از آنکه توسط اندیشمندان مغرب‌زمین به طور جدی مطرح و پیگیری شود، در دین اسلام مورد توجه قرار گرفته و توسط پیامبر این دین بزرگ و سایر پیشوایان دینی به رسمیت شناخته شده بود (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۶۵/ بلیک، ۱۳۷۸: ۱۲۹). آزادی بیان شامل عناصر مختلفی است که توجه به آنها در ارتباطات بین‌المللی حائز اهمیت است:

۱. آزادی در تشکیل عقاید و افکار: این نوع آزادی که مقدمه آزادی بیان به شمار می‌رود،

یاست‌پژوهی عبارت است از آزادی انسان در فکر و اندیشه. آزادی فکر و اندیشه از نظر همه اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین اساسی کشورها و در منابع دینی اسلامی به رسمیت شناخته شده است.

۲. آزادی در ابراز عقاید و افکار؛ اشخاص در داشتن این نوع آزادی متفاوت‌اند و می‌توان

گفت که اشخاص خصوصی اعم از اینکه حقیقی باشند یا حقوقی از نظر ابراز عقاید و بیان اطلاعات یا عدم بیان در آزادی کامل می‌باشند. البته سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌کنند، از این اصل استثنا شده‌اند؛ اما اشخاص عمومی، حقوقی یا حقیقی از حق سکوت یا امتناع از ابراز اطلاعات برخوردار نیستند، مگر آنکه قانون به آنها اجازه داده باشد؛ البته در قوانین فعلی بشری و در قوانین دینی محدودیت‌هایی برای این نوع آزادی وضع شده است.



۳. آزادی در اشاعه و انتقال عقاید و افکار؛ مراد از این آزادی آن است که اشخاص بتوانند بدون مانعی به انتقال افکار و عقایدی که خود در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند، پردازند.
۴. آزادی در تعیین مفاد و بیان؛ انواع بیان‌ها را به لحاظ مفاد و مضمون می‌توان به بیان‌های سیاسی، ادبی، هنری، تجاری و مذهبی تقسیم کرد؛ یعنی اشخاص بتوانند به هر کدام از این بیان‌ها که مایل‌اند، افکار خود را منتقل کنند.
۵. آزادی در تعیین مخاطب؛ بدین معنا که اشخاص آزاد باشند خودشان در مورد مخاطب عقیده‌شان تصمیم‌گیری کنند.
۶. آزادی در انتخاب وسیله بیان.
۷. آزادی در دریافت بیان؛ یعنی افراد جامعه بتوانند به اطلاعات موجود در حوزه عمومی و خصوصی آزادانه دسترسی داشته باشند.

۸. آزادی در جستجوی اطلاعات؛ آزادی بیان مستلزم آزادی در جستجوی فعال اطلاعات از منابع آن است (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

ج. آزادی مذهب

در سال ۲۰۰۵ میلادی قطعنامه‌ای تحت عنوان «امحای کلیه اشکال عدم مدارای مذهبی» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که بر اساس مفاد آن، کشورها مکلف‌اند به مفاد منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر که مربوط به عدم تبعیض در دین، نژاد، زبان و جنسیت است، پایبند باشند و اقداماتی را که خلاف این امر باشد، مرتکب نشده، حتی در جهت محو آن گام بردارند.

قابل ذکر است که جریان مستمری از ۲۰۰۱ به این سو در سازمان ملل متحد شکل گرفته که در صدد است از طریق گفتگوی فرهنگ‌ها و ادیان، مشارکت برای تحقق صلح را به ارمغان بیاورد. نتیجه این اقدامات، قطعنامه‌های متعددی از جمله قطعنامه «ترویج گفتگوی فرهنگی و مذهبی، فهم و مشارکت برای صلح» می‌باشد. قطعنامه دیگری نیز در راستای حصول مشارکت و هماهنگی میان ملت‌ها و حکومت‌ها، تحت همین عنوان در ۲۰۰۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی رسید که در نوع خود، کار بسیار جدیدی به شمار می‌رود. این قطعنامه بر خلاف

قطعه‌نامه‌های پیشین تنها به بحث درگیری و نزاع میان مذاهب نپرداخته است، بلکه به روش‌هایی اشاره دارد تا از طریق آنها با گفتگوی میان فرهنگ‌ها و ادیان، توسعه و پیشرفت به ارمغان آید. گفتنی است که نگاه این قطعه‌نامه به ادیان، به عنوان یک پدیده تنش‌زا نبوده، بلکه سعی دارد از ظرفیت‌های آن در جهت حصول هماهنگی و مشارکت میان ملل استفاده نماید تا از این طریق به توسعه کشورها و در مجموع، جامعه بین‌المللی مساعدت شود (آرایی درونکلا، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

آگاهی و اشراف به قوانین داخلی کشورهای هدف نیز ضروری است؛ برای مثال فرانسه تبلیغ دینی در مدارس را ممنوع کرد و در سال ۱۹۹۸ «مأموریت بین وزارتخانه‌ای در باب جنگ علیه فرق/ آیین‌های دینی» را ایجاد کرد. (فاکس و سندلر، ۱۳۸۹: ۲۰۶). این نوع ممنوعیت در یونان گسترده‌تر است. طبق قانون اساسی یونان تبلیغ برای تمامی ادیان از جمله برای مذهب ارتدوکس یونان ممنوع است.

این تلاش‌ها جهت انجام تبلیغات مؤثر دینی و تقوای دولت‌ها جهت کنترل و محدودسازی آنها بخشی از تضادهای عظیم‌تر فراملیتی در میان دیدگاه‌های جهانی است؛ مثلاً محدودیت‌های فرانسه در مورد تبلیغ دینی یا «آیین‌های دین»، بر ادیانی هدفگیری شده که بومی فرانسه نیستند (همان، ص ۲۰۷).

یاست پژوهی د. اصل حق ارتباط

بر اساس اصل حق ارتباط، در عرصه بین‌المللی امکان و ایجاد ارتباط مؤثر فرهنگ‌ها و ملل به رسمیت شناخته شده و هر نوع ممانعت از آن ممنوع است. در اجلاس جهانی سران در ۲۰۰۲م اعلامیه جهانی حق ارتباط مورد بررسی قرار گرفت. این حق از سوی دیگر نوعی دفاعیه برای پشتیبانی و پاسداری از «حق انسان برای ارتباط» محسوب می‌شود و از «حق همگان برای استفاده از اطلاعات» که مخاطبان را به سوی رسانه‌هایی غیر از مطبوعات فرا می‌خواند، فراتر می‌رود. بدیهی است آزادی مطبوعات، تمام آزادی اطلاعات را شامل نمی‌گردد؛ همان‌گونه که آزادی اطلاعات تمام آزادی بیان را در بر

نمی‌گیرد (معمدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹).



۵. زمینه‌های گفتگو در چارچوب حقوق بین‌الملل ارتباطات

برای برقراری ارتباط مؤثر و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی علاوه بر درک و شناسایی حقوق بین‌الملل ارتباطات و مقررات قانونی عام، نیازمند مقدمات و آمادگی‌های دیگر است که عبارت‌اند از:

۱. آشنایی با قوانین خاص کشورها و چگونگی اجرایی‌شدن مقررات عام جهانی در کشور مورد نظر؛

۲. آشنایی کامل با اهداف و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی و درک زبان جهانی آن؛

۳. آشنایی با زبان، فرهنگ و حساسیت‌های کشور مورد نظر و همچنین رسانه‌های مورد

استفاده؛

۴. مخاطب‌شناسی مناسب در فضای بین‌المللی.

۶. کارکردهای رسانه‌ای در تبلیغ ارزش‌های انقلاب در عرصه بین‌المللی

در سطور گذشته نظریه و ظرفیت‌های نظری و بسترهای حقوق بین‌الملل ارتباطات مورد بحث قرار گرفت؛ به گونه‌ای که با کاربست نظری و استفاده از بستر این حقوق زمینه‌های لازم برای ترویج اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی فراهم می‌شود. در ترویج انقلاب اسلامی دو رویکرد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد نظر بوده است که عمدتاً در نظر رهبران انقلاب ترجیح با رویکرد نرم‌افزاری بوده است؛ لذا هم در محتوا هم شکل ارائه بر منابع قدرت نرم و هم در اشاعه از روش‌های اقناع، استدلال و از ابزارهای تبلیغ استفاده می‌کنند. در رویکرد نرم‌افزاری نگاه آرمان‌گرایانه وجود دارد که معتقد است دین اسلام و به تبع ارزش‌های انقلاب اسلامی، ماهیت جهان‌شمول دارد و تبلیغ بین‌المللی آن ضرورت است. بر اساس این رویکرد به پشتوانه قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران، اسلام و اهداف انقلاب محدود به مرز نیست؛ از سوی دیگر

به معنای مداخله و اغتشاش در کشورهای دیگر نیز نیست؛ چنان‌که حضرت امام

خمينی (ره) صدور انقلاب را به مفهوم کشورگشایی نمی‌داند و می‌گوید:



«معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان

را از این گرفتاری که دارند، نجات دهند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۲۷).

برخی مهمترین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای تبلیغ بین‌المللی که جایگاه مهمی در

جهان دارد، عبارت‌اند از:

ا. مبانی معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی

در حوزه معرفت‌شناسی می‌توان ماهیت، چیستی و واقعیت انقلاب اسلامی را مطالعه کرد. در بحث معرفت‌شناسی مشخص خواهد شد که انقلاب اسلامی چه نگاهی به پیرامون خود، انسان، طبیعت و زندگی دارد. تمایز انقلاب اسلامی با نظام‌های غربی چیست؟ بنابراین در بحث معرفت‌شناسی انقلاب اسلامی لازم است ایده‌ها و نظریات رهبران انقلاب از جمله امام خمینی (ره) مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد.

ب. هستی‌شناسی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی چه نگاهی به طبیعت و جهان پیرامون خود دارد؟ نقش انسان در مکتب اسلام چیست و چه تفاوتی بین این نوع نگاه به انسان در اسلام و دیدگاه غربی وجود دارد؟

ج. انسان‌شناسی انقلاب اسلامی

انسان‌شناسی در متون دینی به معرفت نفس یا خودشناسی تعبیر می‌شود و در آن انسان از این جهت مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد که موجودی کمال‌پذیر است و هدفی والا و متعالی برای او تعریف نشده است.

د. تلفیق دین و سیاست

درحقیقت پیروزی انقلاب اسلامی تأکیدی دوباره بر بطلان نظریه جدایی دین از سیاست بود و اینکه می‌توان بر اساس دین اسلام و آموزه‌های اسلامی نظریه نظام سیاسی اسلامی را در کشورهای اسلامی عملی ساخت.

ه. استکبارستیزی

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۱



۱۱۸

از مهمترین اهداف فرامرزی انقلاب اسلامی از بدو تاسیس تا به امروز بوده است که بر پایه قاعده نفی سبیل شکل گرفته است.

۷. راهکارهای استفاده از ظرفیت های حقوق بین الملل ارتباطات از سوی حوزویان

راهکارهای زیر بر پایه استفاده از ظرفیت های حقوق بین الملل ارتباطات، پیشنهاد می گردد:

۱. استفاده از قوانین موجود: علاوه بر حقوق بین الملل ارتباطات، قوانین داخلی بسیاری از کشورها امکان تبلیغ نرم و بدون تنش را می دهد و از سوی دیگر امکان پشتیبانی حقوقی از افراد و جریان ها را مقدور می سازد. به گفته اریک والبرگ، استاد و نویسنده کانادایی بر اساس همان قوانینی که افراد ضد صهیونیست مورد پیگرد قرار می گیرند، جریان های ضد اسلامی نیز قابل تعقیب اند و بر همین اساس برخی فعالان و نمایندگان ضد اسلامی به دادگاه کشیده شدند (مصاحبه حضوری ۹۶/۱۰/۸).

۲. حضور فعالانه در رسانه های کشورهای مورد نظر و ترویج اهداف انقلاب اسلامی: این امر علاوه بر آشنایی به محتوا، نیازمند آشنایی با رسانه و تکنیک های آن، به ویژه حقوق بین الملل ارتباطات است.

۳. راه اندازی نشریات مختلف مستقیم یا غیرمستقیم: این کار نیاز به آشنایی با حقوق ارتباطات کشور متبوع دارد.

۴. راه اندازی رادیو و تلویزیون یا اجاره کامل یا ساعاتی از این رسانه ها برای پخش مباحث مورد نظر: در ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱ بر ضرورت آزادی اطلاع و انتشار اخبار از طریق رادیو و ماهواره و پخش آن تأکید شده است و تسهیلاتی در این زمینه در کشورهای مختلف به وجود آمده است (معمدژاد، ۱۳۸۸، ص ۴۱۱).

۵. راه اندازی سایت های اینترنتی فعال، به ویژه تعاملی: مصوبه یونسکو در ۱۹۹۵ به این اقدامات در سطح جهانی رسمیت بخشیده است (همان، ص ۴۱۵).

۶. استفاده از ظرفیت تولید خبر، دسترسی به اخبار و انتشار اخبار از طریق خبرنگاران

همسو.



۷. استفاده از ظرفیت ارتباط حضوری و تعامل با اندیشمندان و نخبگان.

۸. استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای در کنار تبلیغ سنتی و رو در رو در مراکز دینی و مساجد در کشورهای مختلف.

۹. استفاده از ظرفیت ارتباطات میان‌فرهنگی: در مقدمه اساسنامه سازمان یونسکو مصوب ۱۹۴۵ بر تفاهم و گفتگوی فرهنگی بین ملت‌ها تأکید شده است. در این مورد امکان و ظرفیت جهانگردی و ارتباطات فرهنگی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. طبیعت گردشگری در هر جامعه، متأثر از عوامل پیچیده و درهم‌تنیده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است؛ به عبارت دیگر گردشگری دارای ابعاد مادی و معنوی است که هر کدام می‌توانند دیگری را مجذوب خود نمایند. در عین حال که می‌توان گردشگری را یک صنعت و فعالیت اقتصادی دانست، همچنین مجموعه‌ای است پیچیده و متشکل از پدیده‌های اجتماعی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم - حتی قبل از اقتصاد- فرهنگ و اجتماع را تحت تأثیر می‌گذارد. به قول مک کانل گردشگری زمینه اصلی تولید اشکال جدید فرهنگی است. گردشگری آمیزه‌ای از فعالیت‌های صرفاً تجاری نیست، بلکه همچنین بیان ایدئولوژیک تاریخ، طبیعت و سنت است؛ بیانی که قدرت آرایش دوباره فرهنگ و طبیعت را بر اساس نیازهای خود دارد (برنز، ۱۹۳۱، ص ۱۱۱). در دوران معاصر گردشگری به واقعیت مهم اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است؛ فعالیتی است ^{یاست ژوپی} که با انسان و انگیزه‌ها، خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای او که منبعث از فرهنگ جامعه است، ارتباط دارد. اگر امکان مسافرت طلاب و فضلا پس از آموزش‌های لازم اعم از زبان گفتاری و فرهنگی و آشنایی به قوانین فراهم شود، همچنین امکان حضور اندیشمندان تأثیرگذار خارجی نیز در داخل میسر شود، می‌توان بسیاری از مفاهیم انقلاب اسلامی را منتشر کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به گسترش ظرفیت‌های جهانی در عرصه ارتباطات بین‌المللی بویژه با فراگیر شدن رسانه‌ها، زمینه‌های تعامل و حتی چالش در عرصه‌های مختلف زندگی بشری نیز افزایش یافته است. به همین دلیل امروزه حقوق بین‌الملل ارتباطات بویژه در عرصه تعاملات فرهنگی، توجه دوچندانی را می‌طلبد. حضور منسجم برخی



دستگاه‌های فرهنگی در خارج، به‌ویژه سازمان فرهنگ و ارتباطات، ظرفیت بزرگی است که برای فعال‌تر شدن آن، حوزه‌های علمیه باید تلاش وافر کنند؛ به گونه ای که باید تبلیغ در عرصه بین‌المللی از همان اوایل تحصیل طلاب به‌طور تخصصی سامان داده شود. البته نباید حوزه علمیه کارکرد خود را فقط در چارچوب سازمان‌های دولتی دنبال کنند، بلکه باید از ظرفیت‌های فردی و گروهی و NGOها در کشورهای مختلف نیز بهره برداری کند و به تبلیغ اهداف انقلاب اسلامی، چهره مردمی‌تری بدهد. حوزویان بر پایه استفاده از این ظرفیت‌ها می‌توانند اقدامات مهمی را از قبیل حضور فعالانه در رسانه‌ها، راه‌اندازی نشریات، راه‌اندازی رادیو و تلویزیون و استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای در کنار تبلیغ سنتی و رو در رو در مراکز دینی و مساجد در کشورهای میزبان مختلف، به انجام برسانند.

با توجه به این نکات، لازم است در سیستم اجرایی و آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه، رویکرد بین‌المللی با گرایش رسانه و ارتباطات مورد توجه قرار گیرد و در اسناد کلان حوزه‌های علمیه مثل سند راهبردی نیز به این مسئله توجه شود؛ همچنین ایجاد مرکز تخصصی رسانه و ارتباطات یا تبلیغ بین‌المللی با لحاظ علمی در حوزه رسانه از نیازهای روز حوزه‌های علمیه جهت انجام وظیفه انقلابی است.



فهرست منابع:

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

۱. آرابی درونکلا، میثم. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل ارتباطات. تهران: سروش.
۲. اباذری، عبدالرحیم. (۱۳۸۹). تبارنامه حوزه و روحانیت از صدر اسلام تا پهلوی. قم: انتشارات سلمان فارسی.
۳. انصاری، باقر. (۱۳۸۶). حقوق ارتباط جمعی. تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۴. اکبری، کمال. (۱۳۹۲). فقه سیاسی و جمهوری اسلام. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۵. بابایی، محمود و سپیده فهیمی فر. (۱۳۹۲). «ویژگی‌های رسانه‌های نوین و الگوهای ارتباطی». فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. تهران: نشر مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات.
۶. بلیکی، نورمن. (۱۳۸۷). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
۷. پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۲). تحلیل جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸. یاست‌پژوی ۸. پولن، رمون. (۱۳۸۰). حقیقت‌ها و آزادی. ترجمه عباس باقری، تهران: نی.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). نرم‌افزار حدیث ولایت. قم: خدمات فرهنگی مرکز نور.
۱۰. خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ا.
۱۱. ----- (۱۳۷۳). ولایت فقیه؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)..
۱۲. رهبر، محمدتقی. (۱۳۷۱). پژوهشی در تبلیغ. تهران: نشر مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. فاکس، جانانان و شموئل سندلر. (۱۳۸۹). کتاب دین در روابط بین‌الملل؛ ترجمه محمدحسن خانی؛ تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه سیدمرتضی نوربخش و سیداکبر میرحسینی. ج ۱، تهران: نشر جنگل.
۱۵. مدنی، سیدعلی‌خان. (۱۳۸۱ق). الدرجات الرفیعه. نجف: مکتبه الحیدریه.



۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۳۸). *سیری در سیره نبوی*. ج ۷، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۳۸.
۱۷. _____ (۱۳۷۱). *پیرامون انقلاب اسلامی*. تهران: نشر صدرا.
۱۸. معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۸). *ارتباطات بین‌المللی*. تهران: نشر دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۱۹. _____ (۱۳۸۲). *ایران و اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
۲۰. _____ (۱۳۹۲). *ارتباطات در جهان معاصر*. تهران: نشر شهر.
۲۱. _____ (۱۳۷۱). *وسایل ارتباط جمعی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. معتمدنژاد، کاظم و رؤیا معتمدنژاد. (۱۳۸۶). *حقوق ارتباطات*. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۲۳. مولانا، حمید. (۱۳۸۷). *اطلاعات عالمگیر و ارتباطات جهانی*. ترجمه محمدحسین برجیان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی* (کاوشی در باب جامعه بورژوازی). ترجمه جمال محمدی؛ تهران: انتشارات نشر افکار.
۲۵. همایون، محمدهادی. (۱۳۸۴). *جهانگردی ارتباطی میان‌فرهنگی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

سیاست پژوهی

حوزه‌های علمی و نشر ارزش‌های انقلابی در بستر حقوق بین‌المللی ارتباطات





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی